

کتابِ عزرا

پیشگفتار

کتابِ عزرا دَ بارهٔ پس آمدونِ اسیرایِ اسرائیلی از بابل دَ سرزمینِ یهودا آسته.

موضوع‌های برجستهٔ امزی کتابِ اینیا آسته:

فهرستِ عنوانها

کوروش اسیرایِ اسرائیل ره پس ریی مُونه (فصلِ ۱ آیه ۱)

پس آمدونِ اسیرا (۱:۲)

بازسازی قُربانگاه (۱:۳)

مُخالفتِ قد دُوباره آباد کدونِ خانه خُدا (۱:۴)

مُخَالَفَتِ قَدْ دُوبَارَه آبَادِ كَدُونِ اورُشَلِيم (۶:۴)

کارِ خانِه خُدا دُوبَارَه شُرُوعِ مُوشِه (۱:۵)

فرمانِ داریوش (۱:۶)

برگزاری عیدِ پَصَح (۱۹:۶)

اَمَدُونِ عِزْرَا دَ اورُشَلِيم (۱:۷)

خطِ اَرَدَشیرِ پادشاه دَ عِزْرَا (۱۱:۷)

کَسایِ که قَدْ عِزْرَا پَسِ اَمَد (۱:۸)

پَسِ اَمَدو دَ اورُشَلِيم (۱۵:۸)

باخبرِ شُدونِ عِزْرَا از خِیشیِ کَدونِ یَهُودیا قَدْ غَیرِ یَهُودیا (۱:۹)

مَرْدُم دَ گُناه های خُو اعترافِ مُونِه (۱:۱۰)

مَرَدایِ که خاتُونویِ بیگَنه گِرِفْتُد (۱۰:۱۸)

کوروش اسیرای اسرائیل ره پس ریی مونه

۱ د سال اول حکمرانی کوروش پادشاه فارس، بلده ازی که کلام خداوند که از دانِ ارمیا گفتد پوره شنه، خداوند روح کوروش پادشاه فارس ره د شور آورد و او د تمام پادشاهی خو یگ اعلامیه پخش کد که نوشتنه شی اینی رقم خنده شد: ۲ ”کوروش پادشاه فارس اینی رقم موگيه، خداوند، خدای آسمونا، تمام مملکت‌های زمی ره بلده ازمه دده و دز مه وظیفه دده تا بلده شی یگ خانه د اورشلیم آباد کنم که د یهودا آسته. ۳ آلی هر کسی که از تمام قوم شی د مینکل شمو آسته، خدای شی قد ازو بشه و او میتنه د اورشلیم بوره که د یهودا آسته و خانه خداوند، خدای اسرائیل ره جور کنه؛ او خدای آسته که د اورشلیم عبادت موشه. ۴ پس تمام باقی‌منده های اسرائیل د هر جای که زندگی مونه، مردم امزو جای باید بلده ازوا نقره، طلا، اسباب و گله-و-رمه کومک کنه و د پالوی شی هدیه‌های داوطلبانه بلده خانه خدا که د اورشلیم آباد موشه، بدیه.

۵ پس کته‌کلونای اولادِ بابیه‌های مردم یهودا و بنیامین قد پیشوایو، لاویا و تمام کسای که خدا روح ازوا ره د شور آوردد، آماده شد تا بوره و خانه خداوند ره د اورشلیم جور کنه. ۶ تمام همسایه‌گون ازوا بلده ازوا

چیزای نُقرهیی، طَلّا، اَسباب، گله-و-رمه و تُحفه‌های قِیمَتی کومک کد، علاوه از تمام هدیه‌های که داوطلبانه بَلَدِه خانِه خُدا دَد. ⑦ کوروش پادشاه ظرفای خانِه خُداوند ره که نَبوکَدنصر از اورشَلیم آورده بُود و دَ خانِه خُدايون خُو ایشَتُد، اَزونجی بُرو آورد. ⑧ کوروش پادشاهِ فارس اُونا ره دَ وسیله میترِداتِ خزانه‌دار بُرو آورد و میترِداتِ اُونا ره حساب کده دَ شیشَبَصَر رهبرِ یهودا تسلیم کد. ⑨ تعدادِ ازوا ازی قرار بُود:

- لَگَنَدِ طَلّایی، سی دانه؛
- لَگَنَدِ نُقرهیی، هزار دانه؛
- کارد، پیست و نُه دانه؛
- ⑩ کاسِه طَلّایی، سی دانه؛
- کاسِه نُقرهیی دَ شکلِ دِیگه، چارصد و دَه دانه
- اَسبابِ دِیگه، یگ هزار دانه.

⑪ تمام چیزای طَلّایی و نُقرهیی پنج هزار و چار صد دانه بُود و پگ شی ره شیشَبَصَر قد اسیرای که از بابل دَ اورشَلیم مورفت، بُرد.

پس آمدونِ اسیرا

① ۲ اینیا مردُم ولایت اَسته که از مینکلِ اسیرای که کوچِ اجباری

دده شُد د پسر مورفت، یعنی کسای که نبوکدنصر پادشاه بابل اونا ره د بابل د اسیری بُر د. اونا د اورشلیم و یهودا هر کدم شی پسر د شار خو رفت. ② اونا قد زروبابل، یشوع، نحمیا، سرایا، رعیلایا، موردخای، بلشان، مسفار، بغوای، رحوم و بعنا قتی آمد.

تعدادِ مردای قومِ اسرائیل که پس آمد ازی قرار بُود:

- ③ اولادِه فرعوش، دُو هزار و یگ صد و هفتاد و دُو نفر؛
- ④ اولادِه شَفَطِیا، سه صد و هفتاد و دُو نفر؛
- ⑤ اولادِه آرح، هفت صد و هفتاد و پنج نفر؛
- ⑥ اولادِه فَحَت-موآب از اولادِه یَشوع و یوآب، دُو هزار و هشت صد و دوازده نفر؛

- ⑦ اولادِه عیلام، یگ هزار و دُو صد و پنجاه و چار نفر؛
- ⑧ اولادِه زَتُو، نه صد و چل و پنج نفر؛
- ⑨ اولادِه زکای، هفت صد و شصت نفر؛
- ⑩ اولادِه بانى، شش صد و چل و دُو نفر؛
- ⑪ اولادِه بابای، شش صد و بیست و سه نفر؛
- ⑫ اولادِه آزگاد، یگ هزار و دُو صد و بیست و دُو نفر؛
- ⑬ اولادِه آدونیکام، شش صد و شصت و شش نفر؛
- ⑭ اولادِه بغوای، دُو هزار و پنجاه و شش نفر؛

- ۱۵) اولادِه عاديِن، چار صد و پنجاه و چار نفر؛
- ۱۶) اولادِه اَطير از اولادِه حَزقيا، نوَد و هشت نفر؛
- ۱۷) اولادِه بِيصاي، سِه صد و بِيست و سِه نفر؛
- ۱۸) اولادِه يوره يگ صد و دوازده نفر؛
- ۱۹) اولادِه حاشوم، دُو صد و بِيست و سِه نفر؛
- ۲۰) اولادِه گِبَّار، نوَد و پَنج نفر؛
- ۲۱) مَرْدای بَيْت-لَحَم، يگ صد و بِيست و سِه نفر؛
- ۲۲) مَرْدای نَطوفه، پنجاه و شش نفر؛
- ۲۳) مَرْدای عَناتوت، يگ صد و بِيست و هشت نفر؛
- ۲۴) مَرْدای عَزماوت، چل و دُو نفر؛
- ۲۵) مَرْدای قَرِبَت-عاريم، کَفيره و بَيروت، هفت صد و چل و سِه نفر؛
- ۲۶) مَرْدای رامه و جَبَع شش صد و بِيست و يگ نفر؛
- ۲۷) مَرْدای مِخماس يگ صد و بِيست و دُو نفر؛
- ۲۸) مَرْدای بَيْت-ئيل و عاي دُو صد و بِيست و سِه نفر؛
- ۲۹) اولادِه نَبو پنجاه و دُو نفر؛
- ۳۰) اولادِه مَکِيش يگ صد و پنجاه و شش نفر.
- ۳۱) اولادِه عيلام دِيگه يگ هزار و دُو صد و پنجاه و چار نفر.
- ۳۲) اولادِه حاريم سِه صد و بِيست نفر.

- (۳۳) اولادِه لود، حادید و اونو هفت صد و بیست و پنج نفر.
- (۳۴) مردای اریحا، سه صد و چل و پنج نفر.
- (۳۵) اولادِه سنائه سه هزار و شش صد و سی نفر.
- (۳۶) پیشوایو: اولادِه یدعیا از خانوارِ یسوع نه صد و هفتاد و سه نفر.
- (۳۷) اولادِه امیر یگ هزار و پنجاه و دو نفر.
- (۳۸) اولادِه پشخور یگ هزار و دو صد و چل و هفت نفر.
- (۳۹) اولادِه حاریم یگ هزار و هفده نفر.
- (۴۰) لاویا: اولادِه یسوع و قدمیئل از اولادِه هودویا، هفتاد و چار نفر.
- (۴۱) سرودخانا: اولادِه آساف، یگ صد و بیست و هشت نفر.
- (۴۲) اولادِه درگهوانا: اولادِه شلوم، اولادِه آطیر، اولادِه طلمون، اولادِه عقوب، اولادِه حطیطا و اولادِه شوبای، جمله یگ صد و سی و نه نفر.

- (۴۳) خدمتگاری خانه خدا: اولادِ صیحا، اولادِ حُسُوفَا، اولادِ طبّاعوت، (۴۴) اولادِ قیروس، اولادِ سیعَها، اولادِ فادون، (۴۵) اولادِ لبانه، اولادِ حَگابه، اولادِ عَقُوب (۴۶) حاکاب، اولادِ شلمای، اولادِ حانان، (۴۷) اولادِ کَدیل، اولادِ کَحَر، اولادِ رِآیا، (۴۸) اولادِ رِصین، اولادِ نقودا، اولادِ کَژام، (۴۹) اولادِ عُرّا، اولادِ فاسیح، اولادِ بیسای، (۵۰) اولادِ آسناه، اولادِ مَعُونیم، اولادِ نِفُوسِیم، (۵۱) اولادِ بَقُبُوق، اولادِ حَقُوفَا، اولادِ حَرخُور، (۵۲) اولادِ بَصْلُوت، اولادِ مَحیدا، اولادِ حَرشا، (۵۳) اولادِ برقوس، اولادِ سِیسِرا، اولادِ تَامَح، (۵۴) اولادِ نِصِیح و اولادِ حطِیفَا بُود.

- (۵۵) اولادِ خدمتگاری سُلیمان: اولادِ سوطای، اولادِ هَصُوفِرَت، اولادِ فِرُودا، (۵۶) اولادِ یَعَله، اولادِ درقون، اولادِ کَدیل، (۵۷) اولادِ شَفَطِیا، اولادِ حَطِیل، اولادِ پوخرِت-هَصِبائِیم و اولادِ آمی بُود.

- (۵۸) تمام خدمتگاری خانه خدا و اولادِ خدمتگاری سُلیمان سه صد و نود و دو نفر بُود.

٥٩) اینیا کسای آسته که از تل-ملح، تل-حرشا، کروب، آدان و امیر
آمد، لیکن اولادِ بابِه و اصل-و-نسب خو ره ثابت نَتَنِست که آیا دَ اسرائیل
تعلق دشت یا نه:

• ٦٠) اولادِ دلایا، اولادِ طوبیا و اولادِ نقودا شش صد و پنجاه و
دو نفر.

• ٦١) و از مینکل پیشوایو: اولادِ حُبایا، اولادِ هَقوص و اولادِ
برزلای که یکی از دخترِونِ برزلای جلعادی ره خاتو کُدد و دَ امزو
نام یاد موشد.

٦٢) امی نفرا سلسله نسب خو ره دَ مینکل کسای که دَ شجره نامه ها
ثبت شُد طلب کد، لیکن پیدا نَتَنِست و از وظیفه پیشوایی برطرف شد.
٦٣) اوخته والی دزوا گفت که اونا از مُقدَّستَرین خوراک نباید بُخوره تاکه
یگ پیشوا حاضر شده قد اوریم و تُمیم دَ باره ازوا تصمیم بگیره.

٦٤) تمام جماعت جُمْلَه چل و دو هزار و سه صد و شصت نفر بود. ٦٥)
بغیر از غلاما و کنیزای ازوا که هفت هزار و سه صد و سی و هفت نفر
بود. اونا امچنان دُوصد مرد و خاتونِ سرودخان ٦٦) و هفت صد و سی و
شش اَسپ، دُوصد و چل و پنج قاطر، ٦٧) چارصد و سی و پنج اَشتر و
شش هزار و هفت صد و بیست الاغ دشت.

٦٨ وختی اونا د خانه خداوند د اورشلیم رسید، بعضی از کته کلونای اولاد بابه‌ها هدیه‌های داوطلبانه بلده خانه خدا تقدیم کد تا او ره دوباره د جای شی آباد کنه. ٦٩ اونا د مطابق وس و توان خو بلده خزانه کار آباد کدون خانه خدا شصت و یگ هزار درهم طلا و پنج هزار منا نقره و صد جوره کالای پیشوایی دد.

٧٠ پس پیشوایو، لاویا، بعضی مردم عادی، سرودخانا، درگه‌وانا و خدمتگاری خانه خدا د اورشلیم و گردوبر شی د شارای خو جای-د-جای شد و باقی تمام اسرائیل د شارای خود خو.

دوباره آباد کدون قربانگاه

٣ ١ امی که ماه هفتم رسید بنی اسرائیل که د شارای خو بود، پگ قوم رقم یگ آدم د اورشلیم جم شد. ٢ اوخته یسوع باچه یوصاداق و پیشوایون همکار شی قد زروبابل باچه شلتیتیل و همکارای شی باله شده قربانگاه خدای اسرائیل ره آباد کد تا قربانی‌های سوختنی ره امو رقم که د تورات موسی مرد خدا نوشته یه د بله ازو تقدیم کنه. ٣ اگرچه ترس مردمای امزو سرزمی د بله ازوا بود، اونا بازم قربانگاه ره د جای اول شی آباد کد و قربانی‌های سوختنی ره د بله شی د خداوند تقدیم کد، قربانی‌های سوختنی ره ام د صبح و ام د شام. ٤ اونا عید چپری‌ها ره

اُمو رقم که د تورات نوشته يه برگزار کد و قربانی‌های سوختنی روزانه ره د حساب، مطابق مقررات هر روز تقدیم کد. ⑤ بعد ازو اونا قربانی‌های سوختنی دایمی، قربانی‌های ماه نو و تمام جشن‌های مقدس خداوند و قربانی‌های داوطلبانه کسای ره که د خداوند اوردد تقدیم کد. ⑥ اونا از روز اول ماه هفتم تقدیم کدون قربانی‌های سوختنی ره بلده خداوند شروع کد، لیکن پای‌سنگ خانه خداوند هنوز اشته نشد. ⑦ پس اونا د استاکارا و نجارا پیسه دد و د مردم صیدون و صور خوراکه، چیزای وچی کدنی و روغون زیتون ری کد تا چپو سرو لبنان ره از طریق دریا د یافا بیره، مطابق امری که کوروش پادشاه فارس دزوا دده بود.

⑧ د ماه دوم سال دوم بعد از رسیدن ازوا د خانه خدا د اورشلیم، زروبابل باچه شلتیئیل و يشوع باچه یوصاداق قد دیگه برارون اسرائیلی خو، یعنی پیشوایو، لاویا و تمام کسای که از اسیری پس د اورشلیم آمدد کار دوباره آباد کدو ره شروع کد. اونا لاویای بیست ساله و باله‌تر از بیست ساله ره مقرر کد تا کار خانه خداوند ره سرپرستی کنه. ⑨ يشوع قد باچه‌ها و قومای خو و قدمیئیل و باچه‌های شی از اولاده هودویا حاضر شد تا یگجایی سرپرستی کسای ره کنه که د خانه خدا کار موکد؛ باچه‌های حیناداد و باچه‌های ازوا قد برارون لاوی خو همکارای ازوا بود.

⑩ وختی استاکارا پای‌سنگ خانه خداوند ره ایشته، پیشوایو قد

کالاهای پیشوایی و شیپورای خو و لایوای اولاده آساف قد سنجها د
جایهای خو قرار گرفت تا خداوند ره ستایش کنه، امو رقم که داوود
پادشاه اسرائیل هدایت دده بود. ^(۱۱) اونا سرود ستایشی و شکرگزاری بار
بار بلده خداوند خنده موگفت:

”او نیکو آسته،

چون رحمت و محبت ازو د بله اسرائیل تا ابد باقی
مومنه.”

و تمام مردم د آواز بلند چیغ زده خداوند ره حمد-و-ثنا موگفت، چراکه
پای سنگ خانه خداوند ایشته شد. ^(۱۲) غدر پیشوایو، لایو و کته کلونای
اولاد بابه‌ها که سالخورده بود و خانه اول ره دیدد، وختی دید که پای سنگ
ای خانه ایشته شد د آواز بلند چخرا کد، لیکن غدر کسا آواز خو ره بلند
بر کده خوشی کد، ^(۱۳) د اندازه که مردم بین آواز خوشی و آواز چخرای
قوم فرق نمیتنست، چون مردم غدر بلند چیغ میزد و صدای ازوا تا دور
شنیده موشد.

مُخَالَفَت قَد دُوباره آباد کدونِ خانه خدا

٢٤ ① وختی دُشمنای یهُودا و بنیامین شنید که اسیرای پس آمدگی

خانه خُداوند، خُدای اسرائیل ره آباد مونه، ② اونا پیش زِروبابل و کټه کلونای اولادِ بابِه ها آمد و دزوا گُفت: ”إجازِه بدید که مو ام د آباد کدونِ خانه قد شُمو کومک کنی، چراکه مو ام رقم از شُمو آلی خُدای شُمو ره پرستش مونی و بلده شی قُربانی تقدیم مونی. آرے، مو از زمانِ اِسَر- حدّون پادشاهِ آشور که مو ره د اینجی اُورد، تا آلی ره امی کار ره مونی.“ ③ لیکن زِروبابل، یَشوع و باقی کټه کلونای اولادِ بابِه های اسرائیل دزوا گُفت: ”شُمو حق ندرید که د آباد کدونِ خانه خُدای مو قد ازمو کار کنید، بلکه مو تنهای خُو بلده خُداوند، خُدای اسرائیل خانه آباد مونی، امو رقم که کوروش پادشاه، پادشاهِ فارس دز مو امر کده.“

④ اوخته مردمای امزو سرزمی، کوشش موکد که مردمِ یهُودا از کار

دست بکشه و اونا ره میترسند که خانه ره آباد نکنه. ⑤ اونا امچنان د مامورای حُکومتی رشوت میدد تا نقشه مردمِ یهُودا ره باطل کنه و ای کار د روزای حُکمرانی کوروش پادشاهِ فارس تا حُکمرانی داریوش پادشاهِ فارس ادامه دشت.

مُخَالَفَت قَد دُوباره جور کدونِ اورشَلیم

⑥ بلاخره، د پادشاهی خشایارشا، د شروع حُکمرانی شی اونا د

خِلَافِ مَرْدُمِ يَهُودَا و اورشَلیم شِکایتِ نَوِشته کد.

⑦ و دَ روزای پادشاهی اَرَدشیر بِشلام، مِیترِدات، طَبئیل و دِیگه همدِستای ازوا دَ اَرَدشیر پادشاهِ فارس خطِ نَوِشته کد؛ خطِ دَ زِیونِ ارامی نَوِشته شُد و تَرجمِه زِیونِ ارامی قَد شی قَتی بُود. ⑧ رَحوم والی و شِمشای کاتبِ ام یگ خطِ دَ خِلَافِ اورشَلیم دَ اَرَدشیر پادشاه، نَوِشته کد که دَ تاهِ ذِکر شُدِه.

⑨ پس رَحوم والی، شِمشای کاتب و دِیگه همدِستای ازوا، یعنی قاضی‌ها، حُکمرانا، مامُورا، مَرْدُمای فارس، اِرک و بابل، مَرْدُمِ شُوش که عِیلامیا آستِه ⑩ و باقی مِلّت‌های که دَ وَسِیلِه اُسَپَرِ اعظم و مُحترَم کوچ دَدِه شُدِه دَ شارِ سامِرِه و دِیگه جایای غَربِ دریای فَرات جای-د-جای شُد و یگدِست شُدِه امی خطِ رِه رِی کد. ⑪ اینی نُسَخِه خطی آستِه که اونا دَزو رِی کد: ”بلدِه اَرَدشیر پادشاه، از طرفِ خِدْمَتگارانِ تُو که باشِنده های غَربِ دریای فَرات آستِه. دَ سِرِ وخت ⑫ ای باید دَ اِطْلَاعِ پادشاه رَسَنده شُنِه که یَهُودِیای که از طرفِ اَزتُو دَ پِیشِ اَزمو آمَدِه، دَ اورشَلیم رَفْتِه و اُمُو شارِ سِرکَش و شَرِیر رِه آباد مُونِه. اَرِه، اونا دیوالِ های شی رِه تَکْمِیل کدِه رِی یِه و پایِ سَنگای شی رِه مُسْتَحکم. ⑬ آلی پادشاه باید بَدَنِه که اگِه ای شارِ دُوباره آباد شُد و دیوالِ های شی تَکْمِیل شُد، اونا دِیگِه جَزِیه، مالیه و باجِ نَمِیدیه و خزانِه پادشاهی ضَرَر مُونِه. ⑭ پس،

ازی که مو نان-و-نمکِ خانه پادشاه ره مُو خوری، دِیده مو نَمییه که
 به احترامی پادشاه ره بنگری؛ امزی خاطر مو خط رِبی کده پادشاه ره خبر
 کدی ^(۱۵) تا پادشاه یگ تحقیق دَ کِتابِ تاریخِ بابِه کَلونای خُو انجام بَدیه و
 از کِتابِ تاریخ پیدا کده بَدنه که ای شار، یگ شارِ سرکش و ضررِ رَسان دَ
 پادشایو و مَمَلکتِ ها بُوْدِه و مردُمِ فِتنه انگیز از زمان های قدیم دَ مَنه شی
 بُوْدِه و امزی خاطر ای شار خراب شُدِه. ^(۱۶) پس دَ اطلاعِ پادشاه میرسنی
 که اگه ای شار آباد شُنه و دیوال های شی تکمیل شُنه، بعد ازو غَرَبِ
 دریای فَرَات یگ حصّه پادشاهی ازتو باقی نَمومنه.

^(۱۷) اوخته پادشاه دَ رُحوم والی، شِمشای کاتب و همدستای ازوا که دَ
 سامره و دیگه جای های غَرَبِ دریای فَرَات زندگی مُوکد، جواب رِبی کده
 گُفت: ”آرام و سلامت بشید. بعد از سلام، ^(۱۸) خطی ره که دَز مه رِبی
 کدید، واضح دَ حُضور مه خنده شُد. ^(۱۹) پس ما حُکم کدُم و مسئولین
 تحقیق کده پیدا کد که ای شار از زمانای قدیم دَ خِلافِ پادشایو باله
 مُوشُدِه و دَ مَنه شی نقشه سرکشی و فِتنه انگیزی کشیده مُوشُدِه. ^(۲۰)
 اورشَلیم پادشایون قوی دَشته که دَ بله تمام غَرَبِ دریای فَرَات حُکمرانی
 مُوکده و ازوا جَزیه، مالیه و باج میگیرفته. ^(۲۱) پس یگ حُکم صادر کُنید
 که اُمو نفرا دِست شی از کار گِرِفته شُنه و تاکه ما فرمان صادر نکدیم اُو
 شار دُوباره آباد نَشُنه. ^(۲۲) احتیاط کُنید که دَزی باره تُمبلی نَکُنید؛ چرا
 باید ای خطر دَ ضررِ پادشایو تمام شُنه؟

۲۳) امی که خطِ آردشیر پادشاه دَ پیشِ رُحوم و شِمشای کاتب و
 همدستای ازوا خنده شد، اونا دَ عَجَله پیش یهودیا دَ اورشَلیم رفت و اونا
 ره دَ جَبَر و زور از کار مَنع کد. ۲۴) دَ امزی رقم کارِ خانه خدا دَ اورشَلیم
 ایسته شد و تا سالِ دوّم حکمرانی داریوش پادشاهِ فارس ایسته مند.

کارِ خانه خدا دوباره شروع موشه

۵) ۱) دَ امزو زمان دُو نَبی، یعنی حَگّی نَبی و زکریا باچه عِدّو بِلده
 یهودیای که دَ یهودا و اورشَلیم بُود، دَ نام خُدايِ اسرائیل که نِگاهوانِ ازوا
 بُود نَبوت کد. ۲) اوخته زروباپل باچه شِئلتیئیل و یَشوع باچه یوصاداق
 باله شده آباد کدونِ خانه خدا ره دَ اورشَلیم دوباره شروع کد و انبیای خدا
 قد ازوا بُود و ازوا حِمایت موکد.

۳) لیکن تَتَنای والی غَرِبِ دریای قَرات قد شَتَر-بوزِنای و همدستای
 خُو آمده دَزوا اینی رقم گُفت: ”دَز شُمو کی امر دده که ای خانه ره آباد
 کُنید و ای ساختمان ره تکمیل کُنید؟“ ۴) اونا امچنان ازوا پُرسان کده
 گُفت: ”نام های مَرَدای که ای ساختمان ره آباد مونه، چی آسته؟“ ۵)
 لیکن نظرِ خُدايِ اسرائیل دَ بِلّه ریش سفیدای یهودیا بُود و اونا کارِ ازوا ره
 ایسته نکد، بَلکه تا رسیدونِ امزی مَوضوع دَ داریوش و پس آمدونِ خط دَ
 باره امزی توره، معطل کد.

⑥ اِیْنی مَتْنِ خَطی اَسْتِه کِه تَتْنای والی غَرِبِ دریای فَرَات، شِتْر-

بوزنای و همدستای شی کِه حُکمرانای غَرِبِ دریای فَرَات بُود، دَ داریوش پادشاه رَیی کد. ⑦ خطی ره کِه اونا دَزُو رَیی کد، اِیْنی رَقْم نوِشته شُد:

”سلام-و-احترامات خِدْمَتِ داریوش پادشاه، ⑧ بعد از سلام دَ اِطْلَاع

پادشاه رَسَنده شُنه کِه مو دَ وَلایتِ یَهُودا دَ خانِه خُدای بُزُرگ رفتی و دیدی کِه اُو ره قد سنگای کُتِه آباد مُونه و چپو ها دَ بَلِه دیوال های شی اِشته

مُوشه؛ ای کار دَ دِقَتِ انجام دَده مُوشه و دَ وَسِیلِه دِستِ ازوا دَ کامیابی

پیش موره. ⑨ دَ اُونجی مو قد ریش سفیدای ازوا توره گُفته اِیْنی رَقْم

پُرسان کدی، ’دَز شُمو کی اَمَر دَده کِه ای خانِه ره آباد کُنید و ای ساختمان

ره تکمیل کُنید؟‘ ⑩ امچنان نام های ازوا ره ازوا پُرسان کدی تا نوِشته

کده بَلَدِه تُو معلُوماتِ بَدی کِه نام های کُتِه کَلونای ازوا چی اَسْتِه. ⑪ اونا

دَ جواب مو اِیْنی رَقْم گُفت، ’مو خِدْمَتگرای خُدای آسمو و زمی اَسْتی و

خانِه ره آباد مُونی کِه غَدَر سال پیش آباد شُد؛ امی خانِه ره پادشاه بُزُرگ

اِسْرائیل آباد کده تکمیل کُدد. ⑫ لیکن ازی کِه بابِه کَلونای مو قارِ خُدای

آسمو ره بالِه اُورد، اُو اونا ره دَ دِستِ نَبوکَدنصرِ کلدانی پادشاهِ بابل تسلیم

کد و نَبوکَدنصرِ ای خانِه ره بیرو کده مردُم ره دَ بابل دَ اِسیری بُرد. ⑬

مگم دَ سالِ اوّلِ حُکمرانی کوروش پادشاهِ بابل، کوروش پادشاه اَمَر کد کِه

امی خانِه خُدا باید آباد شُنه. ⑭ علاوه ازی، ظرفای طِلّایی و نُقرهیی

خانِه خُدا ره کِه نَبوکَدنصر از خانِه خُدا از اورشَلیم گِرِفْتِه دَ عِبادت گاه

خُدايُونِ بَابُل اُورْدُد، کوروش پادشاه اونا ره از عبادت گاهِ خُدايُونِ بَابُل بُرو اُورد و دَ یگ نفر دَ نامِ شیشبَصَر که اُو ره والی تعیین کُدد، تسلیم کد ^(۱۵) و دَزو گُفت: ”ای ظرفا ره گِرِفته بورُو و دَ جایگاهِ مُقَدَّس دَ اورُشَلیم بیل و ام اجازه بدی که خانه خُدا دَ جای اوّل خُو آباد شُنه.“ ^(۱۶) اوخته شیشبَصَر اَمده پای سنگِ خانه خُدا ره دَ اورُشَلیم ایشْت و امزُو زمان تا آلی ره کارِ آباد کدون شی ادامه دَره و هنوز تکمیل نَشده. ^(۱۷) آلی اگه پادشاه صلاح میدَنه، بيله که یگ تحقیق دَ خزانه پادشاه دَ بَابُل انجام شُنه تا دیده شُنه که آیا یگ حُکم دَ وسیله کوروش پادشاه بلده آباد کدون امزی خانه خُدا دَ اورُشَلیم صادر شُده یا نه؟ بعد ازو اُمید که تصمیم خُو ره پادشاه دَ باره امزی مَوْضوع دَز مو ری کنه.“

فرمانِ داریوش

۶ ^(۱) اوخته داریوش پادشاه فرمان صادر کد و اونا دَ کِتَابِ خانه که مربوطِ خزانه های پادشاهی بَابُل بُود و دَز شی اَسنادِ ذَخیره مَوْشُد، تحقیق کد. ^(۲) و اونا دَ قلعه اِکباتان دَ ولایتِ مادها یگ طومار پیدا کد که دَز شی اینی رقمِ نوشته بُود: سَنَدِ رَسْمی ^(۳) ”دَ سالِ اوّلِ حُکمرانی کوروش پادشاه، یگ فرمان از طرفِ کوروش پادشاه دَ باره خانه خُدا دَ اورُشَلیم صادر شُد که اینی رقمِ نوشته شُد: ’بیلید که خانه دَ عنوانِ جایی

که قُربانی‌ها د اُونجی تقدیم مُوشه دُوباره آباد شنه و پای‌سنگ شی مثلِ سابق بښه. بلندی شی شصت توغی و بر شی ام شصت توغی بښه. ^(۴) د دیوال‌های شی سه قطار سنگای کته و یگ قطار چپو کار شنه و خرچ شی از خزانه قصر پادشاه دده شنه. ^(۵) امچنان ظرفای طلائی و نُقره‌یی خانه خُدا که نبوکدنصر از عبادت‌گاه اورشلیم گرفته د بابل اورد، پس دده شنه و دُوباره د جای خو د عبادت‌گاه اورشلیم برده شده د خانه خُدا ایسته شنه. ”

^(۶) جواب داریوش پادشاه: ”آلی تو، آی تتنای والی غرب دریای فرات، شتر-بوزنای و همدستای شمو که حکمرانای غرب دریای فرات استید، ازونجی دور شنید ^(۷) و مزاحم کار خانه خُدا نشنید. بیلید که والی یهودیا و ریش سفیدای مردم یهود خانه خُدا ره د جای اول شی دُوباره آباد کنه. ^(۸) امچنان ما د باره ازی که شمو قد ریش سفیدای یهودیا د دُوباره آباد کدون خانه خُدا چیز کار کُنید، اینی حکم ره میدیم: خرچ دُوباره آباد کدون خانه خُدا از عاید پادشاه، یعنی از مالیه ولایت غرب دریای فرات بلده امزو مردا بدون تاخیر دده شنه تا کار ازوا ایسته نشنه. ^(۹) هر چیزی که اونا ضرورت دره، یعنی گاوو، قوچ‌ها و باره‌گو بلده قربانی‌های سوختنی د خُدای آسمو و گندم، نمک، شراب و روغو که پیشوایو د اورشلیم طلب مونه، هر روز بدون کم-و-کاست دزوا دده شنه، ^(۱۰) تا اونا قربانی‌های مورد پسند خُدای آسمو ره تقدیم کنه و بلده عمر پادشاه و

اولادای شی دُعا کنه. ^(۱۱) علاوه ازی ما حُکم مُونم، هرکسی که ای حُکم ره تغیر بدیه، مسؤلین یگ دِستک چپو ره از خانه شی کشیده نوک شی ره تیز کنه و اُو ره دَ سر امزو چپو نوک تیز باله کنه و خانه شی ره بخاطرِ امزی کار جنگلی-دانی جور کنه. ^(۱۲) خُداي که نام خُو ره دَ امزو جای قرار دده، هر پادشاه یا قومی که دِست خُو ره بلده تغیر ددونِ امزی حُکم یا خراب کدونِ خانه خُدا دَ اورشلیم دراز کنه، اُمو خُدا اُو ره سرنگون کنه. ما داریوش امی حُکم ره صادر کدم، پس قد دِقتِ کامل باید عملی شنه.

^(۱۳) اوخته تتنای والی غرِب درِباي فرات، شتر-بوزنای و همدستای ازوا مُطابقِ حُکمی که داریوش پادشاه صادر کدد، قد دِقتِ کامل عمل کد. ^(۱۴) ریش سفیدای یهودیا دَ کار دُوباره آباد کدو ادامه دد و مُطابقِ نَبوتِ حَکمی نَبی و زکریا باچه عدو دَ مقصد خُو کامیاب شد. اَره، اونا مُطابقِ امرِ خُداي اسرائیل و فرمانِ کوروش، داریوش و اَرشیر پادشایونِ فارس، خانه ره آباد و تکمیل کد. ^(۱۵) امی خانه دَ روزِ سوّم ماهِ اَدار دَ سالِ ششمِ حُکمرانی داریوش پادشاه تکمیل شد. ^(۱۶) بنی اسرائیل، یعنی پیشوایو، لاویا و پگِ کسای که از اسیری پس اَمدد قد خوشی خانه خُدا ره وَقِف کد. ^(۱۷) اونا بلده وَقِف کدونِ خانه خُدا صد نرگاو، دُو صد قوچ و چار صد باره تقدیم کد و بخاطرِ قربانی گناه بلده تمامِ اسرائیل، دوازده تکه دَ مُطابقِ تعدادِ طایفه های اسرائیل تقدیم کد. ^(۱۸) بعد ازو اونا پیشوایو ره دَ دِسته های ازوا و لاویا ره دَ وظیفه های ازوا بلده خدمتِ خُدا دَ اورشلیم

تعیین کد، امو رقم که د کتاب موسی نوشته یه.

برگزاری عیدِ پَصَح

- ١٩) کسای که از اسیری پس آمدد، عیدِ پَصَح ره د روزِ چاردهم ماهِ اوّل برگزار کد، ٢٠) چُون پیشوایو و لاویا خودون ره یگجای پاک کد و پگ شی پاک بُود. پس لاویا باره عیدِ پَصَح ره بلده تمام کسای که از اسیری پس آمدد، بلده پیشوایون همکار خو و بلده خودون خو حلال کد.
- ٢١) اوخته بنی اسرائیل که از اسیری پس آمدد و تمام کسای که خودون ره از ناپاکی ملت های امزو سرزمی جدا کده قد بنی اسرائیل یگجای شدد تا خداوند، خدای اسرائیل ره پرستش کنه، از خوراکِ عیدِ پَصَح خورد. ٢٢)
- اونا عیدِ فطیر ره هفت روز قد خوشی برگزار کد، چُون خداوند اونا ره خوشحال کد و دلِ پادشاه آشور ره دزوا مایل کد تا دستای ازوا ره بلده آباد کدون خانه خدا، خدای اسرائیل قوی کنه.

آمدونِ عزرا د اورشلیم

- ٧) بعد امزی چیزا، د دورون پادشاهی اردشیر پادشاه فارس، عزرا باچه سیرایا، باچه عزربا، باچه حلقیا، ٢) باچه شلوم، باچه صادق،

باچه اخیطوب، ^(۳) باچه امریا، باچه عزریا، باچه مریوت، ^(۴) باچه
 زرخیا، باچه عزری، باچه بقی، ^(۵) باچه آبیشوع، باچه فینحاس، باچه
 العازار، باچه هارون پیشوای بزرگ د اورشلیم آمد. ^(۶) امی عزرا از بابل
 آمد، او یگ کاتب لایق د شریعت موسی بود، د شریعتی که خداوند،
 خدای اسرائیل دده بود لایق بود و پادشاه هر چیزی ره که او طلب کدد دزو
 دده بود، چون دست خداوند، خدای شی د بله ازو بود. ^(۷) امچنان بعضی
 از بنی اسرائیل، پیشوایو، لاویا، سرودخانا، درگه وانا و خدمتگاری خانه
 خدا ام د سال هفتم حکمرانی اردشیر پادشاه د اورشلیم آمد. ^(۸) عزرا د
 ماه پنجم سال هفتم حکمرانی پادشاه د اورشلیم رسید. ^(۹) او د روز اول
 ماه اول، سفر ره از بابل شروع کد و د روز اول ماه پنجم د اورشلیم رسید،
 چون دست خیر خدای شی د بله ازو بود، ^(۱۰) چراکه عزرا دل خو ره د
 خاندون شریعت خداوند و د جای آوردون شی و د تعلیم ددون دستورا و
 احکام د اسرائیل مایل کدد.

خطِ اردشیر پادشاه د عزرا

^(۱۱) ای متن خطی آسته که اردشیر پادشاه د عزرای پیشوا و کاتب دد.
 عزرا کاتب کلمه های احکام خداوند و دستورای شی بلده اسرائیل بود: ^(۱۲)
 ”از طرف اردشیر شاه شاهان د عزرای پیشوا و کاتب شریعت خدای آسمو.

اُمید که صِحَتِ کامل دَشته بَشی. دَ امزی زمان ^(۱۳) ما حُکم مُوْنَم که هر
 کُدمِ اسرائیلیا، پیشوایو و لاویا که دَ قلمرو پادشاهی ازمه آسته و دَ رفتو
 قد ازتو دَ اورشلیم راضی یه، میتنه بوره. ^(۱۴) چُون تُو از طرفِ پادشاه و
 هفت مُشاوَرِ شی رِبی مُوشی تا دَ باره یهو دا و اورشلیم تحقیق کنی و
 بِنِگری که مُطابقِ شریعتِ خُداي تُو که دَ دِست تُو آسته، رفتار مُوشه، یا
 نه. ^(۱۵) امچنان نُقره و طَلای ره که پادشاه و مُشاوَرای شی بِلده خُداي
 اسرائیل که جایگاهِ شی دَ اورشلیم آسته داوطلبانه دَده، بُر. ^(۱۶) علاوه
 ازی تمامِ نُقره و طَلای ره که از سر تا سرِ ولایتِ بابل جَم مُونی قد هدیه
 های داوطلبانه مرْدَم و پیشوایو که بِلده خانِه خُداي خُو که دَ اورشلیم آسته
 دَ رضای خُو دَده، ام بُر. ^(۱۷) پس هُوش خُو ره بَگیر و اوّل قد امزی پیسه
 گاو ها، قُوچ ها، باره گو و هدیه های غَلّه-و-دانه و وُچی کَدنی ازوا ره بخر
 و اونا ره دَ بِلّه قُربانگاهِ خانِه خُداي خُو دَ اورشلیم تقدیم کو؛ ^(۱۸) و قد
 باقی نُقره و طَلّا هر چیزی که دَ نظرِ ازتو و قوماي تُو خوب معلوم مُوشه
 که انجامِ بَدید، امو ره دَ مُطابقِ خاست-و-اراده خُداي خُو دَ جای بیرید. ^(۱۹)
 ظرفای که بِلده خدمتِ خانِه خُداي تُو دَز تُو دَده شُده، اونا ره دَ حُضورِ
 خُداي اورشلیم بیل. ^(۲۰) و هر چیزِ دیگه که بِلده خانِه خُداي تُو ضرورتِ
 بَشه و تُو مسئولِ تهیه ازو بَشی، میتنی او ره از خزانه پادشاه تهیه کنی.
^(۲۱) ما اَرْدشیر پادشاه دَ تمامِ خزانه دارای غَرِبِ دریای فَرَات حُکم صادر
 مُوْنَم که هر چیزی که عِزرای پیشوا و کاتبِ شریعتِ خُداي آسمو از شُمو

تقاضا مونه، فوراً انجام بديد. (۲۲) تا صد وزنه نقره، صد كر گندم، صد بت شراب، صد بت روغو و نمك بے اندازه ميتنيد دزو بديد. (۲۳) هر چيزي ره كه خدای آسمو آمر كده، بدون كم-و-كاست بايد بلده خانه خدای آسمو انجام دده شنه، چون چرا بايد غضب خدا د بله قلمرو پادشاه و باچه های شی بيه. (۲۴) امچنان باخبر بشيد كه از هيچ كدم پيشوايو، لاويا، سرودخانا، درگهوانا، خدمتگاري خانه خدا و ديگه كارگراي كه د خانه خدا مصروف كار آسته حق جزيه، ماليه و خراج گيرفتو ره ندريد. (۲۵) و تُو آي عزرا، د وسيله حكمت خدای خو كه دز تُو آسته، قاضي ها و وكيلا ره كه شريعت خدای تُو ره ميدنه تعيين كو تا د بله تمام مردم غرب دريای فرات قضاوت كنه و كساي كه امي شريعت ره نميدنه دزوا تعليم بديد. (۲۶) تمام كساي كه از شريعت خدای تُو و از قانون پادشاه اطاعت نمونه، بايد بدون تاخير د بله ازوا حكم شنه و جزاي ازوا مرگ، جلای وطن، ضبط مال-و-دارايي يا بندي گري بشه.

(۲۷) اوخته عزرا گفت: ”حمد-و-ثنا د خداوند، خدای بابه كلونای مو كه امي رقم يگ چيز ره د قلب پادشاه قرار دد تا خانه خداوند ره د اورشليم شان-و-شوكت بديه (۲۸) و ام د حق ازمه د حضور پادشاه و مشاوراي شی و د پيش نفرای قدرتمند پادشاه لطف-و-مهرباني كد. خلاصه، ازی كه دست خداوند، خدای مه د بله مه بود، ما جرأت پيدا كدم و رهبرای اسرائيل ره جم كدم تا قد مه پس بوره.

کسای که قد عزرا پس آمد

۸ ① اینیا کټه کلونای اولادِ بابه های ازوا آسته و اینی ام شجره
نامه کسای که قد ازمه دَ زمانِ حکمرانی اَرْدشیر پادشاه از بابُل آمد:

- ② از اولادِه فینحاس، جَرشوم؛
- از اولادِه ایتامار، دانیال؛
- از اولادِه داوود، حَطُوش ③ اولادِه شِکِنیا؛
- از اولادِه فرعوش، زکریا قد یگ صد و پنجاه مَرْدِ دِیگه که قد ازو قتی بُود، ثَبِت شُد؛
- ④ از اولادِه فَحَت-موآب، اِلِیهو-عینای باچه زرحیا قد دُو صد مَرْد؛
- ⑤ از اولادِه زُتو، شِکِنیا باچه یَحْزِئیل قد سِه صد مَرْد؛
- ⑥ از اولادِه عادین، عابد باچه یوناتان قد پنجاه مَرْد؛
- ⑦ از اولادِه عیلام، اِشعیا باچه عتلیا قد هفتاد مَرْد؛
- ⑧ از اولادِه شِفطیا، زبِدیا باچه میکائیل قد هشتاد مَرْد؛
- ⑨ از اولادِه یوآب، عوبدیا باچه یَحِئیل قد دُوصد و هژده مَرْد؛
- ⑩ از اولادِه بنی، شِلومیت باچه یوسِفیا قد یگ صد و شصت مَرْد؛

- ۱۱) از اولاده بابای، زکریا باچه بابای قد بیست و هشت مرد؛
- ۱۲) از اولاده عزگاد، یوحانان باچه هقطان قد یگ صد و ده مرد؛
- ۱۳) اولاده ادونیکام آخر آمد که اینی نام های ازوا آسته: ایفلط، یعیئیل و شمعیان قد شصت مرد؛
- ۱۴) از اولاده بغوای، عوتای و زگور قد هفتاد مرد.

طلب کدون لاویا بلده خدمت د خانه خدا

- ۱۵) ما اونا ره د نزدیک دریای که د آهوا موره جم کدم و مو د اونجی سه روز خیمه زدی. وختی ما د مینکل مردم و پیشوايو توخ کدم، از اولاده لاوی هیچ کس ره د اونجی پیدا نکدم. ۱۶) پس ما پشت ایعزر، اریئیل، شمعیان، الناتان، یاریب، الناتان، ناتان، زکریا و مشلام که رهبر بود و پشت یوباریب و الناتان که آدمای دانا بود، نفر ری کدم. ۱۷) امچنان اونا ره د پیش عدو که کته یگ جای د نام کاسفیا بود ری کدم و تورای ره که باید د عدو و قومای شی خدمتگاری خانه خدا که د کاسفیا بود موگفت، د دان ازوا اندختم تا خدمتگارا ره بلده خانه خدای مو گرفته د پیش مو بیر. ۱۸) ازی که دست خیر خدای مو د بله مو بود، اونا یگ آدم دانا ره که شربیا نام دشت و از اولاده محلی باچه لاوی، باچه اسرائیل بود قد باچه ها و قومای شی جمله هژده نفر د پیش مو آورد؛ ۱۹) اونا حشیا ره

ام اُورد و اِشعيا اولاده مِراري قد قوماي خو و باچه هاي ازوا که بيست نفر
بُود، قد ازو قتي بُود. (۲۰) از اولاده خدمتگاري خانه خدا که داوود و
نفرای دربار شي اونا ره بلده کومک لاويا تعيين کُدد، دُو صد و بيست
خدمتگار ره اُورد که نام پگ شي ثبت شد.

(۲۱) د امزو غيت ما د اُونجي د نزيک درباي اَهاوا اعلان کُدم که روزه
بگيري و خود ره د حُضور خُداي خو فروتن کنی و ازو بلده خودون خو،
بلده اولاداي خو و بلده تمام مال و دارايي خو سفر بخير طلب کنی. (۲۲)
چون شرم مه آمد که از پادشاه، عسکر و اسپسوار طلب کنم تا مو ره د
راه از دشمنان حفاظت کنه، چراکه مو د پادشاه گُفتدی که دِست خیر خُداي
مو د بله تمام کساي آسته که او ره طلب مونه، ليکن قُدرت و غَضَب شي
د ضد کساي آسته که او ره ايله مونه. (۲۳) پس مو روزه گرفته کومک
خُداي خو ره بلده امزي سفر طلب کدی و او ناله-و-زاري مو ره شنيد.

(۲۴) اوخته ما دوازده نفر از کښه کلوناي پيشوايو، يعني شربيا و حشيبا
ره قد ده نفر از قوماي ازوا جدا کُدم (۲۵) و نُقره و طَلا ره قد ظرفا و هديه
هاي که پادشاه، مُشاوَرای شي، نفرای دربار شي و تمام اِسرائييليای حاضر
د اُونجي تقديم کُدد، د پيش رُوي ازوا تول کُدم. (۲۶) چيزاي ره که تول کده
د دِست ازوا دُدم اينيا بُود: شش صد و پنجاه وزنه نُقره، صد وزنه ظرفاي
نُقره‌يي، صد وزنه طَلا، (۲۷) بيست کاسه طَلايي د اَرزِش هزار درهم و دُو

ظرف از بهترین بُرنزِ جَلَجَلی که رقمِ طَلّا آرزش دشت. ^(۲۸) بعد ازو دزوا
گفتم، 'شمو بلده خُداوند مُقَدَّس اَسْتِید و ظرفا ام مُقَدَّس اَسْتِه و امی نُقره
و طَلّا هدیه های داوطلبانه بلده خُداوند، خُدای بابه کَلونای شُمو اَسْتِه. ^(۲۹)
پس فکر خُو ره بِگِیرید و ازوا تا وختی نِگاهوانی کُنید که اونا ره دَ حُضُورِ
پیشوایونِ بزرگ، لاویا و کُته کَلونای اولادِ بابه های اِسرائیل دَ اورشَلیم، دَ
اُتاقای خانِه خُدا تول کده تسلیم کِنید. ^(۳۰) اوخته پیشوایو و لاویا نُقره،
طَلّا و ظرفای تول شُده ره گِرفت تا اونا ره دَ خانِه خُدای مو دَ اورشَلیم
بُره.

^(۳۱) پس مو دَ روزِ دوازدهمِ ماهِ اوّل از درِبای اَهوآ کوچ کده سُون
اورشَلیم رَیی شُدی؛ دِستِ خُدای مو دَ بِلِه مو بُود و اُو مو ره از دِستِ
دُشمنّا و راهزنا نِجات دَد. ^(۳۲) وختی مو دَ اورشَلیم رَسِیدی، سِه روز دَ
اُونجی دَمراسی کدی. ^(۳۳) دَ روزِ چارُم دَ مَنِه خانِه خُدای مو نُقره، طَلّا و
ظرفا ره تول کده دَ دِستِ مَریموتِ پیشوا باچه اوریّا تسلیم کدی که اِلِعازار
باچه فینحاس ام قد ازو قتی بُود؛ یوزاباد باچه یَشُوع و نوعدیا باچه بَنُوی
از جَمِ لاویا ام قد ازو دَ اُونجی حُضُور دشت. ^(۳۴) تمامِ امزُو چِیزا حِساب و
تول شُد و تولِ پگِ ازوا دَ امزُو غِیت نوشته شُد.

^(۳۵) بعد ازو اسیرای که از اسیری پس اَمُدُ، بلده خُدای اِسرائیل
قُربانی‌های سوختنی تقدیم کد، یعنی دوازده گاو بلده تمامِ اِسرائیل و نود و

شش قوچ و هفتاد و هفت باره؛ اونا امچنان دوازده تکه بلده قربانی گناه
 تقدیم کد. پگ امزیا قربانی سوختنی بلده خداوند بود. ۳۶ د عین حال
 اونا فرمان های پادشاه ره د نماینده های پادشاه و والی های غرب دریای
 فرات دد و اونا د قوم و خانه خدا کومک کد.

با خبر شدن عزرا از خیشی کدون یهودیا قد غیر یهودیا

۹ ۱ بعد از انجام شدن امزی چیزا، رهبرا د پیش از مه آمده
 گفت: ”مردم اسرائیل، پیشوایو و لاویا خودون ره از مردمای سرزمینای
 دیگه جدا نکهده، بلکه مطابق اعمال زشت ازوا رفتار مونه، مطابق اعمال
 زشت کنعانیا، حتیا، فرزیا، یبوسیا، عمونیا، موآبیا، مصریا و آموریا. ۲
 چراکه از دختران ازوا بلده خودون خو و باچه های خو خاتو گرفته و نسل
 قوم مقدس ره قد نسل مردمای سرزمینای دیگه گت کده؛ دزی خیانت
 دست رهبرا و حاکما از پگ کده باله یه. ۳ وختی امی توره ره شنیدم،
 کالا و چپن خو ره چک کده موی سر و ریش خو ره کندم و حیرو شده
 ششتم. ۴ اوخته تمام کسای که از کلام خدای اسرائیل میترسید، بخاطر
 امزی خیانت اسیرای پس آمدگی د گرد مه جم شد و ما تا وخت قربانی شام
 حیرو منده ششتم.

⑤ دَ وختِ قُربانی شام از جای که غُصّه مُوخورْدُم باله شُدُم و قد کالا

و چپنِ پاره زانو زده دِستای خُو ره سُون خُداوند، خُدای خُو باله کُدم ⑥ و
گُفْتُم، 'آی خُدای مه، ما شرْمِنده اَسْتُم و از شَرْم، آی خُدای مه نَمِیتنم رُوی
خُو ره سُون ازتو باله کنم، چراکه گُناه های مو از سر مو باله پَریده و جُرم
مو تا آسمو رَسیده. ⑦ از دَورونِ بابِه کَلونای مو گِرِفته تا اِمروز مو

مُرتکِبِ جُرم های کُته شُدے و بخاطرِ گُناه های خُو ام خودون مو و ام
پادشایو و پیشوایون مو دَ دِستِ پادشایونِ سرزمینا دِیگه، دَ دَمِ شمشیر، دَ
اسیری، دَ غارت و دَ رَسوایی تسلیم شُدی، اُمو رقم که تا اِمروز اِدامه دَره.

⑧ لیکن آلی کم وخت موشه که لُطف-و-رَحمتِ خُداوند، خُدای مو نصیب
مو شُده و اُو بَلده مو یگ تِعداد باقی مَنده ها ره اِشته و دَ جایگاهِ مُقدَّس
خُو دَز مو یگ جای اَمَن دَده؛ دَ امزی رقم خُدای مو چیمای مو ره روشو

کده و دَ حینِ غُلامی مو دَز مو کَم وری قوَتِ تازه بخشیده. ⑨ اگرچه مو
غُلاما اَسْتی، لیکن خُدای مو، مو ره دَ حالتِ غُلامی ایله نکد، بلکه مو ره
مَوردِ لُطف-و-مِهربانی پادشایونِ فارس قرار دَده دَز مو قوَتِ تازه بخشید تا
مو خانه خُدای خُو ره دُوباره آباد کده خرابی های شی ره جور کنی و دَز مو
دَ یهُودا و دَ اورشَلیم یگ دیوال بَلده حِفَاطَتِ مو بخشید. ⑩ و آلی آی

خُدای مو، بعد ازی گُناه مو چیز بُگی؟ چُون مو احکام تُو ره ایله کدی؛

⑪ احکامی ره که دَ وَسِیلَه خِدْمَتگَرایِ خُو اَنبیا اَمَر کده گُفتی، "دَ
سرزمینی که شُمُو بَلده تَصَرُف کدون شی داخل موشید، اُو سرزمینی اَسْتِه
که قد نِجاستِ مردُمایِ خُو نِجس شُده. اونا قد کارای زِشت و نِجاستِ خُو

سر تا سر امزو سرزمی ره پُر کده. ^(۱۲) پس دُختر وڼ خو ره دَ باچه های ازوا ندید و دُختر وڼ ازوا ره بلده باچه های خو نگیرید و سلامتی و کامیابی ازوا ره هرگز طلب نکنید تا قوی بشید و چیزای خوب امزو سرزمی ره بخورید و امو سرزمی ره دَ باچه های خو بلده همیشه دَ میراث بدید. ” ^(۱۳) بعد از تمام چیزای که دَ بله مو بخاطر اعمال شیرانه و خطا های غدر کُنه مو امد، مو مینگری که تُو آی خدای مو، مو ره کمتر از گناه های مو جزا دَدے و امی رقم یگ تعداد ره بلده مو باقی ایشته. ^(۱۴) دَ عوضِ خوبی های تُو آیا مو بسم احکام تُو ره میده کنی و قد مردُمای که کارای زشت ره انجام میدیه، خیشی کنی؟ اگه ایطور کنی، آیا تُو دَ بله مو غَضَب کده مو ره بکُلی نابود نمونی که هیچ کس از مو باقی نمنه و خلاصی پیدا نکنه؟ ^(۱۵) آی خداوند، خدای اسرائیل تُو عادل استی، چُون مو باقی منده های استی که خلاصی پیدا کدے، رقمی که امروز دَ اینجی استی. اینه، مو دَ حُضور تُو حاضر استی و دَ جرمِ خو اعتراف مونی، اگرچه هیچ کس نمیتنه بخاطر امزی گناه دَ حُضور تُو ایسته شنه. ”

مردُم دَ گناه های خو اعتراف مونه

۱۰. ^(۱) دَ حالیکه عزرا دُعا و اعتراف موکد و چخرا کده خود ره دَ پیشِ خانه خدا قد رُوی خو اندختد، یگ جمعیتِ غدر کُنه مردا، خاتونو و

بچکيچای اسرائیلی د ګرد ازو ګم شد و مردم ام زار زار چخرا کد. ②

اوخته شکنیا باچه یحییٰیل که اولاده عیلام بود، د عزرا گفت: ”مو د ضد خدای خو ګناه کدی، چون قد خاتونوی بیګنه که از مردمای امزی سرزمی آسته توی کدی، لیکن با وجود ازی امی آلی ام بلده اسرائیل امید باقی آسته. ③

پس آلی بیه که قد خدای خو یګ عهد بسته کنی و امو خاتونو ره قد اولادای ازوا مطابق مشوره بادار مه و کسای که از احکام خدای مو میترسه از قوم بر کنی تا امی کار مطابق شریعت انجام شنه. ④

باله شو، چون ای کار مربوط از تو موشه و مو ام قد تو آستی؛ قوی بش و ای کار ره انجام بدی.“

⑤ اوخته عزرا باله شده کته کلونای پیشوایو، لاویا و تمام اسرائیل ره قسم دد که اونا مطابق تورای گفته شده عمل مونه؛ پس اونا قسم خورد.

⑥ عزرا از پیش روی خانه خدا باله شده د اُتاق یهوحنان باچه الیاشیب رفت و د اُونجی نه نان خورد و نه آو وچی کد، چون بخاطر خیانت کته اسیرای پس آمدگی غصه موخورد. ⑦

اونا د تمام یهودا و اورشلیم د اسیرای پس آمدگی اعلان کد که د اورشلیم ګم شنه. ⑧ و هر کسی که تا روز سوم نیه، نظر د تصمیم کته کلونا و ریش سفیدا مال-و-دارایی شی ضبط موشه و خود شی از جماعت اسیرای پس آمدگی آخ موشه.

⑨ پس د دورون سیه روز تمام مردم یهودا و بنیامین د اورشلیم ګم

شُد؛ روزِ بیستمِ ماهِ نهم بُود که تمامِ مردُم دَ میدانِ پیشِ رُوی خانِه خدا
 شِشت و بخاطرِ امزی توره و بخاطرِ بارشِ سخت می لَرزید. ^(۱۰) اوخته
 عزرای پیشوا باله شُدِه دَزوا گُفت: ”شُمو خیانت کدید، چُون قد خاتُونوی
 بیگنه توی کده گُناهِ اسرائیل ره کلو کدید. ^(۱۱) پس آلی دَ پیشِ خُداوند،
 خُدای بابِه کَلونای خُو دَ گُناهِ خُو اعتراف کُنید و خاست-و-اراده ازو ره دَ
 جای بیرید و خودون ره از مردُمای امزی سرزمی و خاتُونوی بیگنه جدا
 کُنید. ^(۱۲) ” تمامِ جماعت دَ آوازِ بلند دَ جوابِ شی گُفت: ”صَحیح اَسته؛
 اُمو رقم که گُفتی، مو اُمو رقم مونی. ^(۱۳) لیکن مردُم غَدر کَلویَه و دَ
 امزی غَیت بارشِ ام اَسته؛ مو نَمیتنی دَ امزی جای سرواز ازی کلو ایسته
 شنی. و ای کار، کارِ یگ روز و دُو روز نییه، چُون غَدر مو دَ امزی باره
 گُناه کدے. ^(۱۴) اجازه بدی که کُته کَلونای مو از تمامِ جماعت نُمایندگی
 کنه و تمامِ کسای که دَ شارای مو خاتُونوی بیگنه گِرِفته، دَ وختای مُعین
 حاضر شُنه و ریش سفیدا و قاضی های هر شار ام قد ازوا قتی بییه، تا
 شِدَتِ قارِ خُدای مو دَزی باره از بله مو دُور شُنه. ^(۱۵) ” تنها یوناتان باچه
 عَسائیل و یحزیا باچه تقوه قد امزی پِشنهاد مُخلافت کد و مِشلام و
 شَبَتائی لاوی ام ازوا پُشتیوانی کد.

^(۱۶) پس اسیرای پس امدگی اُمو رقم کد که پِشنهاد شُد. عزرای
 پیشوا مردای ره که کُته کَلونای اولادِ بابِه ها بُود، دَ مُطابقِ اولادِ بابِه های
 ازوا اِنتخاب کد و نام های ازوا ره نوشته کد. اونا دَ روزِ اوّلِ ماهِ دَهم یگ

نَشَسْت بَرگزار کد تا مَوْضوع ره برَرسی کنه ❶❷ و دَ روزِ اوّلِ ماهِ اوّل
برَرسی خُو ره دَ باره تمامِ مَرَدای که خاتُونوی بیگنه گِرِفْتُد، دَ آخِر رَسَند.

مَرَدای که خاتُونوی بیگنه گِرِفْتُد

❶❸ دَ مینکلِ باچه های پیشوایو ام مَرَدای پَیدا شُد که خاتُونوی بیگنه
گِرِفْتُد. از اوْلادِهُ پِشُوَع باچه یوصاداق و برارون شی: مَعَسیا، اِلِیعِزِر،
یارِیب و گَدَلِیا. ❶❹ اونا قول دَده وعده کد که خاتُونوی خُو ره ایلَه مِیدیه و
هر کُدم ازوا یگ قُوج دَ عِنوانِ قُربانی جُرم بَلَدِه جُرم خُو تَقَدِیم کد.

- ❶❺ از اوْلادِهُ اِمیر: حَنانی و زَبَدِیا.
- ❶❻ از اوْلادِهُ حارِیم: مَعَسیا، ایلِیا، شِمَعیا، یَحِیئیل و عُزِیا.
- ❶❼ از اوْلادِهُ پَشْحُور: اِلِیوعینای، مَعَسیا، اِسْماعیل، نِتَنئیل،
یوزاباد و اِلْعاسه.
- ❶❽ از لاویا: یوزاباد، شِمعی، قِلایا یعنی قِلیطا، فِتَحیا، یهُودا و
اِلِیعِزِر.
- ❶❾ از سُرودخانا: اِلِیاشِیب.
- از درگهوانا: شَلُوم، طِلْم و اُوری.
- ❶❿ از باقی اِسْرائِیلیا:

- از اولادِ فرعوش: رَمیا، یزیا، مَلکیا، میامین، العازار، مَلکیا و بنایا.
- (۲۶) از اولادِ عیلام: مَتْنیا، زَکریا، یَحِیئیل، عَبدی، یریموت و ایلیا.
- (۲۷) از اولادِ زُتو: الیوعینای، الیاشیب، مَتْنیا، یریموت، زاباد و عزیزا.
- (۲۸) از اولادِ بابای: یهوحنان، حَنیا، زَبّای و عَتَلای.
- (۲۹) از اولادِ بانى: مِشْلام، مَلوک، عَدایا، یاشُوب، شال و راموت.
- (۳۰) از اولادِ فَحَت-موآب: عَدنا، کِلال، بنایا، مَعسیا، مَتْنیا، بَصْلئیل، بَنُوی و مَنَسّی.
- (۳۱) از اولادِ حاریم: الیعزر، اِشیا، مَلکیا، شِمعیّا، شِمعون، (۳۲) بنیامین، مَلوک و شَمَریّا.
- (۳۳) از اولادِ حاشُوم: مَتْنای، مَتاته، زاباد، الیفِلط، یریمای، مَنَسّی و شِمعی.
- (۳۴) از اولادِ بانى: مَعْدای، عَمرام، اُوئیل، (۳۵) بنایا، بیدیا، کَلُوهی، (۳۶) وَنیا، مِریموت، الیاشیب، (۳۷) مَتْنیا، مَتْنای و یَعسُو.

- (۳۸) از اولادِ بُنوی: شَمعی، (۳۹) شَلِمْیا، ناتان، عَدایا، (۴۰)
- مَکَنَدِبای، شاشای، شارای، (۴۱) عَزْرَئیل، شَلِمْیا، شَمَرِیا، (۴۲)
- شَلُّوم، اَمَریا و یوسُف.
- (۴۳) از اولادِ نَبو: یعیئیل، مَتِیتیا، زاباد، زینا، یدو، یوئیل و
- بَنایا.

(۴۴) پگِ امزیا خاتُونوی بیگنه گرفتند و بعضی از خاتُونوی ازوا صاحبِ
 باچه ها ام شدند.